



خطر خالی شدن حساب با پیامک جعلی سود سهام عدالت

رئیس مرکز تشخیص پلیس فتای فراجانسبت به کلاهبرداری با ارسال لینک‌های آلوده با موضوع واریز سود سهام عدالت هشدار داد. سرهنگ علی محمد رحیمی گفت: شهروندان هرگز به این لینک‌ها توجه نکنند چرا که با کلیک روی این لینک‌ها اطلاعات افراد هک و حساب بانکی‌شان خالی می‌شود.

داخلی

فرار زوج سارق با رینگ‌های آتش گرفته



۲۰ دقیقه تعقیب و گریز میان پلیس و زن و مرد سارق، در حالی با دستگیری متهمان پایان یافت که رینگ‌های خودروی آنها به‌دلیل ترک‌بین لاستیک‌ها آتش گرفته بود. به گزارش همشهری، شامگاه جمعه گذشته تیم گشت پلیس آگاهی تهران در اتوبان تهران- کرج به یک پژو ۴۰۵ که زن و مرد جوانی سر نشینان آن بودند، مشکوک شدند. مأموران شماره پلاک این خودرو را استعلام کردند و خیلی زود معلوم شد که خودرو سرقتی است و سر نشینان آن، سارق هستند. مأموران به راننده دستور ایست دادند اما وی به محض دیدن خودروی پلیس، پایش را روی گاز گذاشت و شروع به فرار کرد. این شروع تعقیب و گریزی نفسگیر بود که از اتوبان تهران-کرج آغاز شد و ۵۲۰ دقیقه بعد در ابتدای جاده چالوس به پایان رسید.

مأموران در جریان این تعقیب و گریز، چندین بار به راننده پژو دستور ایست دادند اما او با سرعت زیاد و لایی کشیدن از بین ماشین‌ها و حرکات مارپیج تلاش می‌کرد فرار کند. با این حال، خودروی گشت آگاهی سایه به سایه در تعقیب دزدان بود و مأموران پس از چندبار اخطار، شروع به تیراندازی هوایی کردند. این اتفاق هم باعث نشد که راننده فراری توقف کند و این بار مأموران لاستیک‌های ماشین را هدف گرفتند و شروع به تیراندازی کردند. درحالی‌که چرخ‌های پژو پنجر شده بود، راننده همچنان به فرار ادامه می‌داد و این در حالی بود که حرکت ماشین روی رینگ باعث شد که چرخ‌های ماشین شعله‌ور شود. ۵۲۰ دقیقه از ماجرا گذشته و خودروی پژو به حوالی پل فردیس رسیده بود که راننده ناگهان تغییر مسیر داد و به سمت جاده چالوس رفت. با این حال مأموران موفق شدند سرد او شوند و به این ترتیب خودروی سرقتی متوقف شد. این اما پایان عملیات نبود، چراکه راننده به محض توقف از ماشین پیاده شد و با جا گذاشتن زن جوان در داخل ماشین، با پای پیاده به فرار ادامه داد. با این حال کمی بعد مأموران موفق شدند وی را دستگیر کنند و به فرار او پایان دهند.

به گفته سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، با دستگیری این مرد و همدستش هر دوی آنها به اداره آگاهی منتقل شدند و تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

معمای ناپدید شدن مادر

«سال‌هاست مادرم ناپدید شده واز سرنوشت او خبری ندارم؛ به تازگی پدرم برایم فاش کرده که احتمالاً خاله و دایی‌هایم به‌خاطر ژنیه جان مادرم را گرفته‌اند.»

این ادعای دختر جوانی بود که روز گذشته با حضور در دادسرای اجناسی تهران اخبار خوشتر آغاز تحقیقات درباره سرنوشت مادرش شد. به گزارش همشهری، صبح دیروز دختری ۴۰ساله قدیم در شعبه ششم دادسرای جنایی تهران گذاشت و به باز پرس حسین گودرزی گفت: من ۱۰ ساله بودم که پدرم به خارج از کشور مهاجرت کرده است. من در آن از جدایی آنها، هر از گاهی مادرم را ملاقات می‌کردم؛ چون دادگاه حضانتم را به پدرم سپرده بود اما بعد مادرم ناپدید شد و من دیگر او را ندیدم.

وی ادامه داد: هر بار که از پدرم می‌خواستم مرا به دیدن مادرم ببرد، بهانه می‌آورد. یک‌بار می‌گفت به شهرستان رفته است، بار دیگر می‌گفت کاری برایش پیش آمده و نتوانسته به دیدن من بیاید تا اینکه پار آخر آب پاکی را روی دستم ریخت و گفت: مادرم به خارج از کشور مهاجرت کرده است. من در آن زمان تصور می‌کردم هر کس به خارج برود دیگر نمی‌تواند با بستگانش تماس بگیرد اما بزرگ‌تر که شدم فهمیدم تصور اشتباه بوده است. حدم زود شاید مادرم زندگی جدیدی برای خودش ساخته و دیگر حاضر نیست مرا ببیند. اما همیشه یک جای کار می‌لنگید و این سؤال برایم بدون جواب مانده بود که مادرم چرا در همه این سال‌ها حتی یک‌بار هم با من تماس نگرفته است. دیگر طایقت نیآوردم و چند روز قبل از پدرم خواستم حقیقت را برایش آشکار کند و بگویم در چه بلایی بر سر مادرم آمده که در همه این سال‌ها از من خبری نگرفته است. پدرم گفت که احتمالاً مادرم توسط خاله و دایی‌هایم به قتل رسیده است.

شنیدن این جمله، مرا به وحشت انداخت و پدرم توضیح داد که مادرم بعد از جدایی نزد خاله و دایی‌هایم رفته اما بر سر آتیه به‌شدت با آنها اختلاف داشته است؛ به‌طوری‌که چندین بار شنیده که آنها مادرم را به‌شدت تکت زده‌اند. سپس دیگر نه از مادرم خبری شده و نه از خاله و دایی‌هایم. چون آنها خانه و زندگی‌شان را فروخته و از آنجا رفته بودند. حالا درخواست من این است که این موضوع را پیگیری کنید تا سرنوشت مادرم را ز گمشای شود.

با این شکایت، باز پرس جنایی دستور داده تا از ثبت احوال استعلام شود که آیا این زن زنده است یا نه. سپس خاله و دایی‌های این دختر برای تحقیق به دادسرای جنایی تهران احضار شوند تا معمای ناپدید شدن مادر او را گشایی شود.



نجات پدر و پسر باهو کلاتی در سیل سیستان و بلوچستان چیزی شبیه معجزه است؛ مثل همان‌هایی که در داستان‌های خیالی می‌خوانیم با پانی شیرین. این پدر و پسر برای نجات جانشان در سیل، بیشتر از یک‌شبهانه روز بالای درخت خرما بودند و در نهایت بافداکاری یک ناخدا، از مرگ حتمی نجات یافتند. اما این اتفاق چطور رخ داد؟ صبح دوشنبه هفته گذشته و درست چند ساعت پیش از جاری شدن سیل وحشتناک در بخش باهو کلات شهرستان دشتیاری در سیستان و بلوچستان بود که جما رئیس و پسر جوانش به نام بلاور، از کبرهایشان خارج شدند تا برای آبیاری، راهی باغ‌شان در نزدیکی رودخانه گوجری شوند؛ باغی که مملو از درختان خرما، موز و انبه بود. پدر و پسر موتور آب را روشن کرده و مشغول آبیاری بودند که باران شروع به باریدن کرد، اما نه یک باران معمولی. شدت بارش آنقدر زیاد بود که در یک چشم بر هم زدن، زمین و زمان در هم پیچید. سیل هولناکی که از بالادست رودخانه به راه افتاده بود به سمت باغ‌ها سرازیر شد و پدر و پسر را گرفتار کرد. آنها خوب می‌دانستند که جریان آب بیشتر و بیشتر خواهد شد و نهایتاً راه نجات‌شان بالا رفتن از درخت خرماست؛ درختی که نسبت به درخت موز مقاومت بیشتری داشت. جما و پسر با گرفتن یک تخته که روی آب شناور بود خود را از پای درختان موز به یک درخت خرما رساندند و از آن بالا رفتند. کاری که از کودکی با آن آشنا بودند و این درخت شد تنها جان‌پناشان.

چند ساعت بعد

سیل هولناک بیش از ۶۰ فرسوا از ۷۴ روستای بخش باهو کلات را محاصره کرده بود. دورتر از جایی که جما و پسرش گرفتار شده بودند، اعضای خانواده نگرانشان بودند. در این شرایط پسرعموی بلاور راهی دهیاری شد و سعید آخربات، دهیار روستای «کهریز بالا» را در جریان ناپدید شدن جما و بلاور قرار داد. او نیز با علی بخش شه‌بخش، رئیس شورای اسلامی بخش باهو کلات تماس گرفت، او را در جریان قرار داد و درخواست کمک کرد.

مازنده‌ایم

سعید آخربات در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: سیل، همه باغ‌های اطراف روستا را محاصره کرده بود. به همراه چند نفر از اهالی راهی محل حادثه شدیم. تا جایی که می‌شد جلور ققیم، بقیه مسیر فقط آب بود و آب حدود ۵۰۰متر ماحل گرفتار شدن جما و پسرش فاصله داشتیم. اما چیزی قابل دیدن نبود. شروع کردیم به فریاد زدن و آنها را صدا زدیم. این تنها کاری بود که می‌توانستیم انجام دهیم. دقیقی بعد، در حالی‌که کم کم ناامید شده بودیم، صدایی از دور شنیده شد. صدا گنگ و نامفهوم بود اما آتش‌امید را در لمان روشن کرد. خوششان بودند؛ جما و پسرش. فریاد می‌زدند که هنوز زنده‌اند.



کشف بیش از یک تن حشیش در باربر

مأموران گمرک میلک با کمک پلیس مرزبانی استان سیستان و بلوچستان در بازرسی از یک کامیون حامل رب ۱۲۳۰کیلو حشیش کشف کردند. این محموله سنگین مواد مخدر به طرز ماهرانه‌ای در قوطی‌های رب جاسازی شده بود که با هوشیاری مأموران گمرک و پلیس کشف شد.

گفت‌وگو با پدر و پسری که به طرز معجزه آسایی از سیل سیستان و بلوچستان نجات یافتند



موتوری نصب کردند و بسه این ترتیب ناخدا نوحانی راهی عملیات نجات شد. او با تاریکی شب سیلاب را که همچنان با شدت در جریان بود می‌شکافت و جلو می‌رفت تا اینکه بعد از چند ساعت جست‌وجو، نور چراغ‌قوه‌اش روی جما و پسرش افتاد که بی‌رمق بر بالای تپه‌ای که اطرافش را آب گرفته بود، ایستاده بودند.

اشک شوق

جما و پسرش بلوچ هستند و به سختی می‌توانند فارسی صحبت کنند. آنها به خیرنگار همشهری توضیح می‌دهند که یک شبانه‌روز بالای درخت خرما بودند و در روز دوم که کمی آب فروکش کرده بود خود را به یک قسمت تپه‌ای پر درخت رسانده و در آنجا پناه گرفته بودند. جما می‌گوید: شاید اگر ناخدا یکی دو ساعت دیرتر به ما می‌رسید، ما زنده نبودیم. پسرش بلاور هم توضیح می‌دهد: ما در این مدت مرگ را به چشم دیدیم. زمانی که بالای درخت بودیم، فقط دعا می‌کردم که درخت طاق‌ت بیآورد. شدت سیل آنقدر زیاد بود که هر لحظه امکان داشت درخت را از ریشه درآورم. نمی‌دانید چه استرسی داشتم. یک هفته‌ای فکر می‌کردم دیگر عزیزانم را نمی‌بینم. وقتی شب بود، فایق را دیدم که به سمت ما می‌آمد. انگار معجزه شده بود. من و پدرم زندگی‌مان را مدیون ناخدا نوحانی هستیم. وقتی هیچ کس جرأت نداشتش به آب بزند، او جانش را به خطر انداخت و به نجات ما آمد.

در انتظار نجات

سعید آخربات، دهیار روستای کهریزبز بالا در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: هوا تاریک شده بود و تنها دلوخوشی ما صدای پدر و پسرش بود که از دور شنیده می‌شد. من و بقیه مردم روستا در تب و تاب نجات آنها بودیم اما سیل به حدی بود که نمی‌توانستیم به آب بزیم و آنها را نجات دهیم. او می‌افزاید: که از بالادست رودخانه به راه افتاده بود به سمت باغ‌ها سرازیر شد و پدر و پسر را گرفتار کرد. آنها خوب می‌دانستند که جریان آب بیشتر و بیشتر خواهد شد و نهایتاً راه نجات‌شان بالا رفتن از درخت خرماست؛ درختی که نسبت به درخت موز مقاومت بیشتری داشت. جما و پسر با گرفتن یک تخته که روی آب شناور بود خود را از پای درختان موز به یک درخت خرما رساندند و از آن بالا رفتند. کاری که از کودکی با آن آشنا بودند و این درخت شد تنها جان‌پناشان.

می‌توانست آن دورا نجات دهد. مسئولان روستا در تماس با سازمان‌های امدادی درخواست بالگرد کردند اما امکان اعزام آن وجود نداشت. آخربات ادامه می‌دهد: روز دوم، فردی را به ما معرفی کردند و گفتند که او ناخداست و بسیار پر دل و جرأت و توانمند است. اسمش الهی بخش نوحانی است. بسا او تماس گرفتیم و مشورت کردیم و او با اینکه می‌دانست این کار خطرناک است اما گفت که بسرا نجات جما و پسرش می‌آید.

در مسیر خطر

روز دوم به شب رسیده بود که ناخدا نوحانی، خودش را به روستا رساند تا به کمک جما و پسرش خودش را به روستا برود. او به خانواده نگران و گیان آنها قول داد که حتی به قیمت جانش هم که شده، پدر و پسر را نجات خواهد داد. آنها روی یک قایق کوچک،

اصلاح موی زندانیان، معجزات جوان آرایشگر

باید مخارج عروسی و زندگی مشترکش را تأمین می‌کرد، قصد داشت دستگانه لیزر دوستش را روزهای بیشتری نزد خود نگه دارد تا در آرایش راز از دست ندهد. با اعترافات متهم، پرونده پس از صدور کیفرخواست به دادگاه لوسانات فرستاده شد و قاضی میثم حسین پور، رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه، رسیدگی به این پرونده را به عهده گرفت. در جلسه دادگاه، متهم به گریه افتاد و از شاکی خواست تا او را ببخشد. شاکی نیز در نهایت رضایت داد و دوستش را بخشید اما با این حال متهم از جایز جنبه عمومی جرمی که مرتکب شده بود، باید مجازات می‌شد.

قاضی حسین پور، به همشهری می‌گوید: متهم به‌خاطر جرم توهمین و خیانت در امانت باید بر اساس قانون مجازات اسلامی به یک سال زندان محکوم می‌شد اما با توجه به رضایت شاکی و اینکه هیچ سابقه کیفری نداشت، تصمیم گرفتم بسه جای اینکه او را به زندان بفرستم از مجازات جایگزین استفاده کنم.

وی ادامه می‌دهد: آری ۲۰ساله و تازه نامزد کرده بود، من هم به جای حبس حکم دادم که راهی زندان شود و در آستانه‌ماه مبارک رمضان به‌مدت ۸ساعت، موی سر زندانیان اصلاح کند. موی صورت این محکوم، آرین باید به سالتن جرائم غیر عمدی در زندان تهران بزرگ می‌رفت تا کارش را شروع کند اما در آنجا اتفاقی افتاد که آرین نه ۸ساعت، بلکه به‌مدت ۸هفته به زندان می‌رفت تا موهایی زندانیان اصلاح کند.

اتفاق عجیب

آرین می‌گوید: اگر قاضی من را به حبس محکوم می‌کرد، زندگی‌ام نابود می‌شد. معلوم نبود تکلیف اجاره سنگین مغازم‌ها چه می‌شد؟ حتی ممکن بود زندگی مشترکم از هم بپاشد و نام‌زدم ترک کند. او ادامه می‌دهد: از روزی که برای اصلاح موی سر زندانیان به زندان رفتم، بیشتر قدر زندگی‌ام را می‌دانم؛ به همین دلیل است که تصمیم گرفتم این کار خیر را ادامه بدهم. حتی رفتم دادگاه و از قاضی خواستم که دستور بدهد من چندماه دیگر هم به زندان بروم. چون از



روزی که به آنجا رفتم و زندانیان هنگام اصلاح موی‌شان شروع کردند به شرح دادن داستان زندگی‌شان، فهمیدم که زندگی در آرایش، نعمت بزرگی است. یکی از زندانیان تعریف می‌کرد که فردی به‌خاطر یک جرم بی‌بند و افتاده به زندان افتاده، در آنجا با تبهکاران هم‌سفره شده و تصمیم گرفته وارد باندهای کلانفکاری و سرقت مسلحانه شود. فهمیدم که خدا چقدر مدالی در حبس گذاشته که به حبس محکوم نشدم. از طرفی متوجه شدم زندگی در زندان برای بسیاری از زندانیان چقدر سخت و طاقت‌فرساست و افرادی که به‌خاطر جرائم غیر عمدی مدالی در حبس به‌سرمی‌برند، چه رنجی تحمل می‌کنند. برای همین دلم می‌خواهد کاری برایشان انجام دهم تا شاید تحمل حبس برایشان راحت‌تر شود.

دستگیری ۲ کلاهبردار با ۵۳سکه تقلبی

با شکایت طلافروش، از آنجا که احتمال می‌رفت مرد کلاهبردار یک جاعل حرفه‌ای باشد که به‌زودی سراغ طلافروشی‌های دیگر هم برود، مأموران تصویر ضبط شده او در دوربین مداربسته و مشخصاتش را در اختیار سایر طلافروشی‌ها قرار دادند تا اینکه چند روز پیش معلوم شد که این مرد قصد کلاهبرداری از فرد دیگری را دارد. طعمه جدید متهم، صاحب یک طلافروشی در شرق تهران بود. مرد کلاهبردار که با آب طلا روکش و به طرز ماهرانه‌ای جعل شده بود کشف شد. متهمان در جریان بازجویی‌ها به ۲کلاهبرداری با این شگرد اعتراف کردند و تحقیقات برای شناسایی مالباختگان آنها ادامه دارد.

ششمینمهی ۱۵اسفند۱۴۰۲—شماره۴۵۹



پرونده

پرونده خواننده جنجالی، وارد مرحله تازه‌ای شد

تتلو در دادگاه انقلاب



اولین جلسه رسیدگی به اتهامات امیرحسین مقصدولو، خواننده جنجالی که از چندماه قبل در بازداشت به سر می‌برد، صبح دیروز در دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد. به گزارش همشهری، نام تتلو در سال‌های اخیر همیشه با لایوهای اینستاگرامی جنجالی، شرط بندی و فساد، آثار مبتذل و صحنه‌های مستهجن و مسائلی از این دست همراه بوده است. او آذرماه امسال با انتشار تصویری اعلام کرد که قصد بازگشت به ایران را دارد اما دلیل این تصمیم‌اش را بازگو نکرد. چند روز از آغاز این ماجرا می‌گذشت که پلیس ترکیه تتلو را به اتهامی نامعلوم بازداشت کرد و او را در مرز بازرگان تحویل پلیس ایران داد تا به این ترتیب تتلو که چندین پرونده باز در دادگستری داشت، به ایران بازگردانده شود.

رسیدگی به پرونده در سکوت قضایی

بازگرداندن تتلو به ایران حاشیه‌های زیادی را به همراه داشت. هر از گاهی به نقل از سخنگوی قوه قضاییه یا منبعی مطلع، اطلاعاتی به‌صورت قطره چکانی از این پرونده منتشر و در این حد اعلام می‌شد که از او پرونده‌های مختلفی در دست رسیدگی است، اما هیچ وقت افکار عمومی که تشنه دریافت اطلاعات از این پرونده بودند حتی به درستی از اتهامات تتلو آگاه نشدند. آخرین اظهارنظر از مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضاییه بود که اعلام کرد: این فرد پرونده‌های متعددی دارد که یکی از این پرونده‌ها در دادسرای ناحیه ۲۳ در مرحله رسیدگی است. در شرایطی که هنوز به درستی اتهامات خواننده جنجالی مشخص نبود، عده‌ای با این فرضیه که او مسعود است، در فضای مجازی خواستار صدور حکم اعدام برای او شدند. در چنین شرایطی مدتی قبل اعلام شد که برای تتلو در یکی از پرونده‌هایش کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه انقلاب فرستاده شده است.



پای‌میز محاکمه

سرانجام ۲ماه بعد از بازگرداندن تتلو به کشور، مرکز رسانه قوه قضاییه در خبری کوتاه از برگزاری نخستین جلسه محاکمه او خبر داد. این جلسه روز دوشنبه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی افسحاری برگزار شد. بر اساس این گزارش در این جلسه که با حضور مستشار دادگاه، وکیل متهم و نماینده دادستان برگزار شد، نماینده دادستان به دفاع از کیفرخواست پرداخت و اقدامات مجرمانه متهم در فضای مجازی را تریخ کرد. به‌گفته نماینده دادستان، تتلو در سال‌های ۸۶، ۹۲ و ۹۵ در داخل کشور دستگیر شده و در سال ۹۷ کشور را به مقصد گرجستان ترک کرده و در سال ۹۸ به کشور ترکیه مهاجرت کرده بود. در این جلسه مادر و خواهر تتلو که در ماه‌های اخیر اظهارات‌شان در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته بود نیز حضور داشتند. پس از پایان فرانت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان، قاضی اعلام کرد برای کسب آمادگی متهم و وکیل مدافع وی، ختم جلسه دادگاه اعلام می‌شود و زمان برگزاری جلسه بعدی اعلام خواهد شد.

مرگ مهمان در درگیری همسایه‌ها

دعوی ۲همسایه، پایان تلخی داشت و به مرگ مهمان یکی از آنها منجر شد.

به گزارش همشهری، شامگاه یکشنبه به قاضی محمدجواد شعبانی، باز پرس جنایی تهران خبر رسید که مردی در درگیری جان باخته است. به دستور باز پرس تحقیقات در این باره آغاز شد. برادر فرد جان باخته گفت: برادرم ۲۷ساله و مهمان خانه من بود. او مشکل قلبی داشت و حتی پزشکان در قلب او، باتری کار گذاشته بودند. او ساکن شهرستان بود و برای انجام درمان قلبش، به تهران آمده و مهمان خانه من شده بود اما حادثه تلخی رخ داد و همسایه‌های من باعث مرگ وی شدند. او ادامه داد: ما در آپارتمانی مستاجر بودیم و ۳برادر که همسایه ما بودند می‌گفتند لوله‌های آب دچار نشتی شده است. به‌گفته آنها، صاحبخانه‌ام جواب تماس هایشان را نمی‌داد و تعمیر لوله‌ها هم به‌عهده صاحبخانه بود. این شب همسایه ما، فاکله آب را قطع کرد و همین موضوع باعث درگیری میان ما شد. در جریان درگیری، برادرم نیز مداخله کرد که همسایه‌ام او را هل داد. همین موجب شد تا برادرم وحشت کند و ناگهان قلبه قلمی به او دست داد که به مرگ درنک او منجر شد.

به‌دنبال این حادثه، ۳برادر همسایه دستگیر شدند. آنها دیروز منکر هل دادن مرد جان باخته شدند. یکی از این سه نفر گفت: ما با همسایه‌ها مان درگیر شدیم اما در حد مشاجره بود. مهمانش هم وارد درگیری شد اما ما او را هل ندادیم. در حالی‌که بگو میگو می‌کردیم ناگهان قربانی قلبش را گرفت و روی زمین افتاد. تحقیقات در این پرونده به دستور باز پرس جنایی تهران ادامه دارد.